

گنجینه سوال رایگان

+ پاسخ تشریحی

یاوران دانش



راه های ارتباطی با ما:

www.Dyavari.com

۰۲۱-۷۶۷۰۳۸۵۸

۰۹۱۲-۳۴ ۹۴ ۱۳۴



۱- عَيْن الفعل يمكن أن يكون وقوعه في زمانين:

- (۱) من يلعب بذنب الأسد جهلاً يقع في مشاكل لا ينتظرها!
- (۲) من تطبخ الخُبْزَ من العجين بسهولة غير الخبّازة الماهرة!
- (۳) من تَخْلَص من الإعجاب بنفسه تقدّم في المجالات المختلفة!
- (۴) من يحصل على العلم و يتتفع به و ينفع الآخرين إلا العالم الخبير!

۲- عَيْن الفعل يمكن أن يكون وقوعه في زمانين:

- (۱) من تَخْرُج من الجامعة دون علم مفيد للمجتمع خسر خُسرانا!
- (۲) من يُعِينك على رفع عيوبك غيرُ صديقك الصدوق حقاً!
- (۳) من يَسبح في البحر و لم يتعلّم السباحة جيداً يَغرق!
- (۴) من استبدّ في حياته إلا الذي لا يرى لغيره حقاً!

۳- عَيْن ما لا يناسب المفهوم: «من ساء خلقه عذب نفسه»

- (۱) (إن أحستّم أحستّم لأنفسكم و إن أسأتم فلها)!
- (۲) الذين لم يستجيبوا لربّهم اولئك لهم سوء الحساب!
- (۳) بدخواه كسان هیچ به مقصد نرسد / یک بد نکند تا به خودش صد نرسد!
- (۴) این جهان کوه است و فعل ما ندا / بازگردد این نداها را صدا!

۴- عَيْن الخطأ:

- (۱) كاد الملعب أن يمتلئ بالمتفرّجين و هم يتكلّمون معاً: نزدیک بود ورزشگاه از تماشاچیان که با هم گفتگو می کردند پُر شود!
- (۲) هو حاكم لا يزال سابقاً في الفضل و العزّة: او حاکمی است که پیوسته در برتری و عزّت پیشتاز خواهد بود!
- (۳) نَمَت أعشابُ هذه المزرعة نموّاً عجيباً في مدّة سنتين: گیاهان این مزرعه در مدت دو سال عجیب رشد کرده است!
- (۴) تظاهرت بالخوف من ظلمة الليل عندما أنت ما كُنْتَ معي: وانمود به ترسیدن از تاریکی شب کردم، وقتی تو همراهم نبودی!

۵- عَيْن ما فيه الشرّط (من حيث المعنى):

- (۱) من يُبْعِد نفسه عن السيئات و الذنوب يتخلّص من عواقب شرّها!
- (۲) ما يرفع درجة الإنسان في الدّنيا و يُقَرِّبه إلى الله هو الأعمال الحسنة!
- (۳) ما أحسن للإنسان ما يرزقه الله و عليه أن يدرك هذه النّعمة أكثر فأكثر!
- (۴) من يَغرس فسيلة في الحديقة قادرٌ على غرس فسائل أخرى لينتفع النّاس بها!



۶- «آیا باور می‌کنی که در روزی از روزها ماهیانی را ببینی که پی درپی از آسمان فرو می‌ریزند؟». عین الصحیح للتعریب:

- (۱) هل تُصدِّقُ في يوم من أيام أن تتساقط الأسماك تراها مرتباً من السماء؟
- (۲) أ تُصدِّقُ أن تشاهد سقوطاً متوالياً في يوم من الأيام من السماء للأسماك؟
- (۳) أ تُصدِّقُ في كلِّ الأيام أن تُشاهد السقوط المتوالي في السماء للأسماك؟
- (۴) هل تُصدِّقُ أن ترى في يوم من الأيام أسماكاً تتساقط من السماء؟

۷- عین الخطأ:

- (۱) كان صديقي من الذين يُسمح لهم الدخول إلى خزانة الكتب: دوستم از کسانی بود که به آنها اجازه ورود به گنجینه‌های کتاب را می‌دهند!
- (۲) مَنْ هو الأقوى ينال الكأس الذهبی في هذه المباراة: کسی که قوی‌تر است در این مسابقه به جام طلایی دست می‌یابد!
- (۳) كنتُ وافقتُ أخي لفتح مكانٍ لبيع الكتب العلمیة: با برادرم برای گشودن مکانی برای فروش کتابهای علمی موافقت کرده بودم!
- (۴) يستطيع الإنسان أن يصعد فوق الجبال ولكنه لا يبقى هناك إلا قليلاً: انسان می‌تواند به بالای کوه‌ها صعود کند ولی فقط اندکی آنجا می‌ماند!

۸- «إذا حدثت ظاهرة و لو طبیعیة، يُحاول العلماء أن يعرفوا سرَّ تلك الظاهرة فتصل هذه المحاولات إلى أجوبة تحسِّن حياتنا!» عین الترجمة الصحیحة:

- (۱) هنگامی که یک پدیده حادث شد اگرچه به صورت طبیعی، دانشمندان برای شناخت راز آن پدیده کوشش می‌کنند و این تلاش‌هایی است که برای خوب کردن زندگیمان به جواب می‌رسد!
- (۲) هنگامی که پدیده‌ای اتفاق افتاد اگرچه طبیعی، راز آن پدیده با کوشش دانشمندان شناخته می‌شود، و اینها تلاش‌هایی است که به جوابی برای بهتر کردن زندگیمان می‌رسد!
- (۳) هرگاه پدیده‌ای هر چند طبیعی به وجود بیاید، دانشمندان سعی می‌کنند که راز آن پدیده را بشناسند، و این کوششها به جواب‌هایی می‌رسد که زندگی ما را نیکو می‌گرداند!
- (۴) هرگاه یک پدیده‌ای هر چند طبیعی به وجود بیاید، دانشمندان می‌کوشند تا راز آن پدیده شناسایی شود و این کوششها به جواب‌هایی می‌رسد که زندگی ما را بهتر می‌گرداند!

۹- «عندما فتح التمساح فمه دخل فيه طائرٌ كان قُربه، و بدأ يأكل بقايا الطعام من خلال أسنانه!» عین الصحیح للترجمة:

- (۱) وقتی که دهان تمساح باز شد، پرنده نزدیک او وارد آن گشت، و به خوردن بقایای غذا از لابه‌لای دندان‌هایش پرداخت!
- (۲) آن زمان که تمساح دهان خود را باز کرد، پرنده نزدیک او وارد دهانش شد، و به خوردن غذای باقیمانده در بین دندان‌های او، پرداخت!
- (۳) هنگامی که تمساح دهانش را باز کرد، پرنده‌ای که نزدیک او بود، وارد آن شد و شروع به خوردن باقیمانده غذا از لابه‌لای دندان‌های او کرد!
- (۴) آن زمان که تمساح دهانش باز شد، پرنده‌ای که نزدیک او بود به دهانش وارد شد، و شروع کرد به خوردن باقیمانده غذا از میان دندان‌هایش!



۱۰- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْحُرُوفِ:

- (۱) اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ، فَأَحْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ!
- (۲) عِنْدَمَا تَحْرِقُ الرَّمَالَ أَقْدَامَ مَنْ يَسِيرُ عَلَيْهَا، تَضَعُ هَذِهِ الْحَيَّةُ ذَنْبَهَا فِي الرُّمْلِ!
- (۳) تَسْتَطِيعُ الْبُومَةُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا مَاتَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَرَجَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا!
- (۴) لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ وَلَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ جِهَةٍ!

۱۱- عَيْنُ جَوَابِ الشَّرْطِ يَخْتَلِفُ:

- (۱) إِنْ يَقْدِرُ أَحَدٌ أَنْ يُسَخِّطَكَ فَهُوَ قَدْ تَغَلَّبَ عَلَيْكَ!
- (۲) إِنْ تَغَضِبَ وَ تَعْمَلْ بِغَضَبِكَ تَقْتَرِبُ مِنْ مَفْسَدَةٍ عَظِيمَةٍ!
- (۳) إِنْ يَقْصِدُ الْأَحْمَقُ أَنْ يَنْفَعَكَ لَا يَقْدِرُ لِأَنَّهُ يَضُرُّكَ بِحِمَاقَتِهِ!
- (۴) إِنْ نَدْرُسُ دُرُوسَنَا فِي مُوَعَدِهِ نَتَخَرَّجُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَةٍ!

۱۲- عَيْنُ الْمُنَاسَبِ عَنِ الْمَفْهُومِ: «النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا»:

- (۱) عمری به جهل غافل از مرگ / جان را بدهیم سقوط چون برگ
- (۲) تا چنین زنده‌ای تو در خوابی / چون بمیری تمام دریابی
- (۳) دیگر سخن از غفلت ایام چه سود / آن دم که طعام شکم گور شدم
- (۴) آدمی تا کی تو را در خواب غفلت بودن / با بدی‌ها و پلیدی‌های دل هم‌رنگ شدن

۱۳- عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- «لَا أُدْرِي مَا هُوَ نَسِيجُ زَعَانِفِ الْأَسْمَاكِ، وَلَكِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهَا تُسَاعِدُ بَعْضَ الْأَسْمَاكِ عَلَى الْحَرَكَةِ وَ بَعْضَهَا عَلَى الطَّيْرَانِ»:
- (۱) نمی‌دانم بافت باله‌ی ماهیان از چیست، اما می‌دانستم بعضی ماهی‌ها را در حرکت و بعضی را در پرواز کردن کمک می‌کند.
 - (۲) نمی‌دانم چه چیزی در بافت باله‌ی ماهی‌ها هست، ولی می‌دانم در حرکت بعضی ماهی‌ها و پرواز بعضی دیگر از آن‌ها یاری می‌رساند.
 - (۳) نمی‌دانم بافت باله‌های ماهیان چیست، ولی می‌دانم که بعضی ماهی‌ها را در حرکت کردن و بعضی را در پرواز کردن کمک می‌کند.
 - (۴) نمی‌دانم در بافت باله‌های ماهی‌ها چه چیزی هست، اما می‌دانستم که در حرکت کردن بعضی از ماهی‌ها و پرواز کردن بعضی دیگر یاری می‌رساند.

۱۴- عَيْنُ «مَا» شَرْطِيَّةٌ (فِي الْمَعْنَى):

- (۱) مَا تَتَخَبُّ مِنْ هَذِهِ الْكُتُبِ فَهِيَ مُفِيدَةٌ لَكَ!
- (۲) مَا أَرْضَى الْآبَاءَ وَ الْأُمَهَّاتِ إِلَّا سَعَادَةُ أَوْلَادِهِمْ!
- (۳) مَا مِنْ عَالَمٍ يَعْمَلُ بِعِلْمِهِ إِلَّا وَهُوَ يَرَى الْخَيْرَ فِي نَتِيجَةِ عَمَلِهِ!
- (۴) مَا هُوَ عَمَلُ التَّلْمِيزِ الَّذِي لَا يَدْرُسُ بَعْدَ إِعْلَانِ نَتَائِجِ الْامْتِحَانَاتِ!



۱۵- (و ما تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ) عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ آيَةِ الْكَرِيمَةِ:

- (۱) هر چه از نیکی‌های خود پیش بفرستید آن‌ها را نزد الله می‌یابید!
- (۲) آنچه از کارهای خیر برای خود تقدیم کنید آن‌ها را نزد الله باز می‌یابید!
- (۳) آنچه را از خوبی برای خودتان پیش بفرستید آن‌را نزد خداوند می‌یابید!
- (۴) هر چه را از نیکویی به خودتان تقدیم کنید آن‌ها را در نزد خداوند باز می‌یابید!

۱۶- «مَنْ سَاعَدَ الْآخِرِينَ فِي كُلِّ الشَّدَائِدِ فَسَوْفَ تَنْدَفِعُ إِلَيْهِ النِّعَمُ الْإِلَهِيَّةُ وَ مَوَاهِبُهُ!». عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) آن‌که در همه‌ی مشکلات به سایرین یاری رساند، نعمت‌ها و مواهب الهی به سمت او سرازیر خواهد شد!
- (۲) کسی‌که دیگران را در تمام سختی‌ها کمک می‌کند، نعمت‌ها و موهبت‌های الهی به سویش روانه خواهد شد!
- (۳) آن کسی‌که در هر سختی و مشکل به دیگران یاری رسانده است، حتماً نعمت‌های الهی و مواهبش به سوی او روانه می‌شوند!
- (۴) هرکس که در کل مشکلات به سایرین مساعدت نماید، نعمت‌ها و موهبت‌های الهی به سوی وی جریان خواهد یافت!

۱۷- عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ: «إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ»

- (۱) نباید سخن گفت ناساخته / شاید بریدن نینداخته!
- (۲) زبان درکش ای مرد بسیار دان / که فردا قلم نیست بر بی‌زبان!
- (۳) حذر کن ز نادان ده مرده‌گوی / چو دانا یکی گوی و پرورده گوی!
- (۴) به گوینده گیتی برازنده است / که گیتی به گویندگان زنده است!

«بانک سوال موسسه یاوران دانش»

۱۸- عَيْنِ الْخَطَأِ:

- (۱) إِنْ الصَّبْرَ عَلَى مَا أَصَابْنَا، يَجْعَلُنَا مِنَ الصَّابِرِينَ: آن صبر که در مصائب به ما دست می‌دهد، ما را از صابران می‌گرداند!
- (۲) إِنَّهُ الطُّفْلُ الَّذِي يَقْتَرِبُ مِنَ النَّارِ وَ لَا يَعْرِفُ خَطَرَ ذَلِكَ: کودکی را که به آتش نزدیک می‌شود و خطر آن‌را نمی‌داند نهی کن!
- (۳) تَصْغِيرُ الْخَدِّ عِنْدَ الْغَضَبِ عِلَامَةٌ مِنْ عِلَائِمِ الْمُعْجَبِينَ بِأَنْفُسِهِمْ: روی برگرداندن چهره هنگام خشم علامتی از علامت‌های خودپسندان است!
- (۴) إِذَا نَشَاءُ أَنْ تَعْمَرَ الْحِكْمَةُ فِي قَلْبِنَا فَعَلَيْنَا أَنْ نَكُونَ مُتَوَاضِعِينَ: هرگاه بخواهیم که حکمت در قلبمان ماندگار شود بر ما است که متواضع باشیم!



۱۹- عَيْن الصَّحِيح:

- (۱) إِنِّي قَدْ قَبِلْتُ مَسْئُولِيَّةَ إِطْفَاءِ مَكْيِيفِ الْهَوَاءِ بَعْدَ أَنْ تَفَرَّغَ الْمَكْتَبَةُ مِنَ الطُّلَّابِ: مَنْ مَسْئُولِيَّةِ خَامُوشِ كَرْدَنِ كُولَرِ رَا بَعْدَ از خالی شدن کتابخانه از دانش آموزان، پذیرفته‌ام!
- (۲) يَتْلُو هَذَا الطَّالِبُ الْقُرْآنَ كُلَّ يَوْمٍ فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ: اَيْنَ دَانِش‌آموزی است که هر روز در صف صبحگاهی قرآن می‌خواند!
- (۳) إِنْ نَصَلْ إِلَى النَّجَاحِ فِي بَدَايَةِ الْأَمْرِ فَلَا مَعْنَى لِلتَّسْعِيِّ: اگر در ابتدای کار موفق می‌شدیم تلاش مفهومی نداشت!
- (۴) لَمَّا جَاءَتْنِي أُمِّي بِالطَّعَامِ شَكَرْتُهَا كَثِيرًا: وقتی مادرم همراه با غذا بیاید، از او بسیار تشکر می‌کنم!

۲۰- «إِنْ لَمْ يَكُنْ أَيُّْ خَطَرٍ وَ صَعُوبَةٍ فِي اسْتِخْرَاجِ النَّفْطِ لَقَدْ أَصْبَحَ سَعْرُهُ رَخِيصًا جَدًّا!»:

- (۱) اگر هیچ‌گونه خطر و سختی در استخراج نفت نباشد بهای آن بسیار ارزان می‌شود!
- (۲) چنان‌چه هیچ خطر و سختی در استخراج نفت نباشد قیمتش خیلی پایین‌تر می‌آید!
- (۳) اگر هیچ خطر و سختی در خارج کردن نفت نبود قیمت آن خیلی ارزان‌تر می‌شد!
- (۴) چنان‌چه هیچ‌گونه خطر و سختی‌ای در خارج کردن نفت نبود بهایش بسیار پایین می‌آمد!

۲۱- «مَنْ يَتَوَقَّفُ فِي الْمَاضِي يُمْكِنُ أَنْ يَفْقِدَ مُسْتَقْبَلَهُ الَّذِي يَسْتَطِيعُ أَنْ يَكُونَ أَسَاسَ حَيَاتِهِ!»:

- (۱) آن‌کس که در گذشته بماند، امکان دارد آینده‌ای را که احتمال دارد پایه‌ی زندگی او باشد، از دست بدهد!
- (۲) هرکس در گذشته متوقف شود ممکن است آینده‌اش را که می‌تواند اساس زندگیش باشد، از دست بدهد!
- (۳) کسی که در گذشته توقف کند، احتمال دارد آینده‌اش را از دست بدهد، در حالی که آن ممکن است اساس زندگی او باشد!
- (۴) هرکس در گذشته باقی بماند شاید آینده‌ی خود را از دست بدهد، حال آن‌که آن آینده قادر است پایه‌ی زندگیش باشد!

۲۲- «إِذَا يَلْتَزِمُ الْإِنْسَانُ بِالصَّدَقِ يَتَخَلَّصُ مِنْ كُلِّ السَّيِّئَاتِ الَّتِي تَضُرُّهُ!»:

- (۱) اگر انسان پای‌بند راستی و درستی باشد همه‌ی بدی‌هایی را که ضرر رسان به اوست، رها می‌کند!
- (۲) هرگاه انسان به همه‌ی صداقت‌ها ملتزم شود از بدی‌هایی که به او ضرر می‌زنند خلاص می‌شود!
- (۳) هرگاه انسان پای‌بند راستگوئی باشد از همه‌ی بدی‌هایی که به او ضرر می‌رساند رها می‌شود!
- (۴) اگر انسان به صداقت‌ها ملتزم باشد بدی‌هایی را که ضرر رساننده به او هستند رها می‌کند!

۲۳- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ الشَّرْطُ:

- (۱) مَنْ سَهَرَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَهُوَ غَيْرُ بَاكِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ!
- (۲) مَنْ يُسَجِّلُ هَدَفًا وَ الْحَكْمَ يَقْبَلُهُ تَجْعَلُهُ فِي فَرِيقِنَا الْفَائِزِ!
- (۳) مَنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْصَلَ عَلَى مُشْتَقَّاتِ النَّفْطِ اكْتَفَى بِنَفْسِهِ!
- (۴) مَنْ يَزْرَعُ شَجَرَةَ الْجُوزِ يَعْلَمُ أَنَّهَا لَا تُثْمِرُ إِلَّا بَعْدَ عَشْرِ سِنَوَاتٍ!



۲۴- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ:

- (۱) لِلزَّرَافَةِ صَوْتٌ يُحَدِّثُ الْحَيَوَانَاتَ حَتَّى تَبْتَغِدَ عَنِ الْخَطَرِ!
- (۲) نَقَارُ الْخَشَبِ طَائِرٌ يَنْقُرُ جَذَعَ الشَّجَرَةِ بِمِنْقَارِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي الثَّانِيَةِ!
- (۳) رَأَيْتُهُ يُحِبُّ الْفَقِيرَ وَ يَفْكُ الْأَسِيرَ وَ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَ يَعْرِفُ قَدْرَ الْكَبِيرِ!
- (۴) بِلَادُنَا غَنِيَّةٌ بِالنَّفْطِ وَ هِيَ تُصَدِّرُ قِسْماً مُهِمّاً مِنْهُ إِلَى الْبُلْدَانِ الصَّنَاعِيَّةِ!

۲۵- «بَعْدَ أَنْ يَتَنَاوَلَ التَّمْسَاحَ طَعَامَهُ يَقْتَرِبُ مِنْهُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الطُّيُورِ!»:

- (۱) نَوْعٌ: اسْمٌ - مَفْرُودٌ مَذْكَرٌ - نَكْرَةٌ - مَعْرَبٌ / مَبْتَدَأٌ وَ مَرْفُوعٌ، وَ الْجُمْلَةُ اسْمِيَّةٌ
- (۲) طَعَامٌ: اسْمٌ - مَفْرُودٌ مَذْكَرٌ - اسْمٌ مَبَالِغَةٌ (اِسْتِثْقَاكُهُ مِنْ مَادَّةِ «ط ع م») / مَفْعُولٌ أَوْ مَفْعُولُ بِهِ وَ مَنْصُوبٌ
- (۳) يَتَنَاوَلُ: فِعْلٌ مُضَارِعٌ - لِلْغَائِبِ - مُزِيدٌ ثَلَاثِي (مِنْ بَابِ تَفَاعُلٍ) - لَازِمٌ / فِعْلٌ وَ فَاعِلُهُ «التَّمْسَاحُ» وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ
- (۴) يَقْتَرِبُ: مُضَارِعٌ - لِلْغَائِبِ - مُزِيدٌ ثَلَاثِي (مِنْ بَابِ افْتِعَالٍ) / فِعْلٌ مَرْفُوعٌ وَ فَاعِلُهُ «نَوْعٌ» وَ الْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ

۲۶- عَيْنُ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ: «إِذَا كَانَ الصَّبْرُ مُرّاً فَعَاقِبَتُهُ حُلُوءٌ!»:

- (۱) نَيْسَتْ رَنْگِي كِه بَگُوِيْد بَا مِنْ / اِنْدَكِي صَبْر، سَحَر نَزْدِيَكِ اسْت!
- (۲) سَاخْتَم بَا اَن كِه عَمْرِي سُوخْتَم / سُوخْتَم يَكِ عَمْر وَ صَبْر اَمُوخْتَم!
- (۳) صَبْر بَر جُور رَقِيِيْت، چِه كَنَم گَر نَكَم / هَمِه دَاْنَد كِه دَر صَحْبَتِ گُل خَارِي هَسْت!
- (۴) چِه خُوش اسْت دَر فِرَاقِي هَمِه عَمْر صَبْر كَرْدَن / بِه اَمِيْد اَن كِه رُوزِي بِه كَف اُوْفْتَد وَصَالِي!

۲۷- عَيْنُ كَلِمَةِ «مَنْ» عَامِلَةٌ لِلْجَزْمِ:

- (۱) مَنْ يَتَحَلَّ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ يُعْجِبُ الْآخَرِينَ حَقّاً!
- (۲) مَنْ يَنْسَى شَجَاعَةَ شَبَابِنَا فِي الْحَرْبِ الْمَفْرُوضَةِ!
- (۳) مَنْ حَاوَلُوا لَتَدْوِينَ قَوَاعِدِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ هُمُ الْإِيرَانِيِّونَ حَقّاً!
- (۴) مَنْ بَنَى هَذَا الْبَيْتَ الْكَبِيرَ وَ جَعَلَ لَهُ نَوَافِذَ كَثِيرَةً مَعْمَارٌ حَازِقٌ!

۲۸- عَيْنُ الْخَطَا فِي ضَبْطِ حَرَكَاتِ الْكَلِمَاتِ:

- (۱) نَقَارُ الْخَشَبِ طَائِرٌ يَنْقُرُ جَذَعَ الشَّجَرَةِ بِمِنْقَارِهِ!
- (۲) تُعَدُّ التُّفَايَاتُ الصَّنَاعِيَّةُ تَهْدِيداً لِنِظَامِ الطَّبِيعَةِ!
- (۳) فِي السَّنَةِ الْعِشْرِينَ مِنْ عُمُرِهِ كَانَ عَامِلاً بَسِيطاً!
- (۴) سَوَّقُهَا الْمَشْهُورُ بِأَنَّهُ أَكْبَرُ سَوِّقٍ مُسَقَّفٍ فِي الْعَالَمِ!

۲۹- «هَرَكْسَ قَبْلَ اَزِ سَخَنِ گُفْتَنِ بِيَاْنَدِيْشِد، غَالِباً اَزِ خَطَا اِيْمَنِ مِي گَرْدَد!» عَيْنُ التَّعْرِيْبِ الصَّحِيْحُ:

- (۱) مَنْ يُفَكِّرُ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمُ مِنَ الْخَطَا غَالِباً!
- (۲) مَنْ تُفَكِّرُ قَبْلَ أَنْ تَكْلِمَ سَلَمٌ مِنَ الْخَطَا فِي الْأَغْلَبِ!
- (۳) الَّذِي يُفَكِّرُ قَبْلَ أَنْ تَكْلِمَ قَدْ يَسْلَمُ مِنَ الْأَخْطَاءِ غَالِباً!
- (۴) الَّذِي تَفَكَّرَ قَبْلَ الْمَكَالِمَةِ قَدْ سَلِمَ مِنَ الْخَطَايَا فِي الْأَغْلَبِ!



۳۰- عَيْن «ما» شرطية:

- (۱) ما أَظْلَمَ الإنسانُ في حياته للضعفاء!
- (۲) ما مِنْ طائرٍ إِلَّا و له جناحان يطير بهما!
- (۳) ما عندي وصفةٌ كتب الطَّيِّبُ فيها الأدوية اللازمة لي!
- (۴) ما تعمل من خير في الدنيا تجد ثمرته في الآخرة!

۳۱- عَيْن الخطأ:

- (۱) من يَقصد أن يسبح في البحر،: کسی که قصد دارد در دریا شنا کند،
- (۲) يجب عليه أن يتعلم كيف يسبح،: باید بیاموزد که چگونه شنا کند،
- (۳) لأنَّ السَّباحة في البحر الذي له أمواج مرتفعة صعبٌ،: زیرا شنا کردن در دریایی که امواجی بلند دارد سخت است،
- (۴) و إنقاذ إنسان كهذا الإنسان أصعب كثيراً!،: و نجات یافتن چنین انسانی بسیار سخت است!

۳۲- «إن تقصد أن ترمي النفايات في مكان غير مناسب، فاعلم أنك ضيَّعت حقَّ النَّاسِ!» عَيْن الترجمة الصحيحة:

- (۱) اگر قصد کنی زباله‌ها را به مکانی نامناسب پرتاب کنی، بدان که تو حقَّ مردم را ضایع ساخته‌ای!
- (۲) اگر قصد کردی زباله‌ها را در جایی نامناسب پرت کنی، این را بدان که حقَّ مردم را تباه ساختی!
- (۳) هرگاه خواستی زباله‌ها را به جای نامناسبی بیندازی، پس آگاه باش که حقَّ مردم را ضایع ساختی!
- (۴) هر زمان که خواستی زباله‌هایی را به سمت مکان نامناسبی بیندازی، پس با آگاهی حقَّ مردم را تباه کرده‌ای!